

نامه علی صدارت

به هموطنان گرامی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و
لائیک،

به مناسبت دهمین گردهمایی و در پایان روز نخست
این نشست

با سلام

خلاصه گفتگو با هموطنان عزیز در ' گردهمایی سراسری دهم جنبش
جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران' و چند نکته:

۱- دنیای پسا کرونا، دنیایی بسیار متفاوت از آن چیزی است که قبل از
شروع سال ۲۰۲۰ شاهد آن بودیم.

۲- قوای داخلی و خارجی، و از جمله در منطقه، و کشمکشهای در میان
آنها برای سهم بیشتری از قدرت، و دعوای بر سر «منافع مشترک»، هر
چه شدیدتر میشوند. در واقع از چند جهت، از جمله به علت بحران
کرونا، تعاملها، جای خود را، هر چه بیشتر، به تقابلهای کاهنده
میدهند.

۳- از سوی دیگر مردم دنیا، و منطقه، و البته میهن ما ایران، در
شرایطی بسیار سخت «زندگی» میکنند. امروزه در روند اعتراضاتی که
قبل از بحران کرونا شاهد آنها بودیم، فقط یک وقفه موقت پیش آمده
است. عوامل و دلایل آن اعتراضات خودجوش مردمی، که معرفت هر چه
فراگیرتر شوند، نه تنها از بین نرفته، بلکه به علت بحران کرونا،
شدیدتر هم شده اند. علیرغم ضرورت قرنطینه ها، این تظاهرات به اشکال
و به درجات مختلف شروع شده اند (مثلا در لبنان)

۴- دوره حاد عفونت دنیاگیر کرونا، رو به سرد شدن گذاشته است، گرچه
تبعات آن ماهها و بلکه سالها ادامه خواهند یافت.

۵- برای برپایی، و پویایی، و پیشبرد مردمسالاری، و رساندن دموکراسی
در ایران، به نقطه ای غیرقابل بازگشت، شرایط هیچ وقت به این
اندازه مناسب نبوده:

الف- شرایط بین‌المللی:

ضعف «ابرقدرتها» هیچوقت به این وضوح، هویدا نبوده. حتی اگر قدرت را به توپ و تفنگ و قشون بدانیم (که نیست!) الان «تنها ابرقدرت دنیا» (به ادعای خود!!) بعد از تجاوز به افغانستان و عراق، حالا دارد با طالبان مذاکره و مصالحه میکند. بودجه نظامی امریکا، در مقام اول در دنیا است و برابر است (و یا بیشتر است از) مجموعه بودجه تمامی ۱۰ کشور دوم تا دهم در این فهرست. ولی علیرغم این، از استفاده از این ماشین نظامی، عاجز مانده است. یادآوری مهم: جنگ را توپ و تانک و دورون و موشک و... نمیکند، جنگ را ادم‌ها میکنند، و چنین انگیزه‌ای در مردم، و حتی در ارتش امریکا نیست (حتی با جنگ روانی گسترده قدرتها برای خشونت‌گستری در دنیا). امریکا تجربه سنگین ویتنام را هنوز بیاد دارد، که مزید بر آن علت شد جنگهای افغانستان و عراق و...

دیروز که شاهد تنشها در خلیج پارس بودیم، مقامات ارتش بریتانیای «کبیر!» برای حفظ منافع خود در منطقه، به ضرورت همراهی و اسکورت کردن همه کشتیهای تجارتی، بخصوص نفتی، توسط یک کشتی جنگی انگلیسی، اعتراف کردند، و البته خود در همان گزارش آن را محال دانستند. گزارش شد که ضرر و زیانی کرونا کرونا به اقتصاد اتحادیه پادشاهی بریتانیا زده، هیچگاه از وقتی که شروع به ثبت کردن آمارها شده است، دیده نشده و بزرگترین سقوطهای اقتصادی گذشته این کشور، به وخامت این یکی نبوده است.

امروز هم خبر از تماس آقای ترامپ با روسیه و چین، و پیشنهاد کاهش بودجه‌های نظامی است. همانطور که بودجه مسابقه تسلیحاتی، از عوامل موثر سقوط شوروی بود، در این زمان هم، با و یا بدون بحران کرونا، غیرقابل ادامه بودن این بوجه‌های تخریبی، بیشتر نمایان میشود.

اسرائیل، اسرائیلی نیست که مانند اوایل پیدایش، فرماندهان نظامی آن کشور، روی میز نهارخوری یک آپارتمان کوچک جنگها را اداره می‌کردند، فساد فراوان است و مردم (مردم اسرائیل از مسلمان و مسیحی، و حتی کلیمی، و نیز مردم دنیا، و حتی دولت‌زنان و دولت‌مردان دنیا) با نتانیاهو در بن‌بست بدی قرار گرفته‌اند.

اقتصاددانان دنیا، حتی در کشورهای سرمایه‌سالاری، از چند سال پیش، سقوط اقتصادی با ابعادی بسیار بزرگتر از بحران دات-کام در اوایل سال ۲۰۰۱، و بحران سقوط بازار در سال ۲۰۰۸ را پیش‌بینی می‌کردند.

توجه به این امر مهم است که این تحلیلهای اقتصادی، بدون در نظر گرفتن بحران کرونا بوده است.

ب- شرایط منطقه:

در بهار عرب، در ابتدای جنبش خودجوش مردم منطقه، روشهایی که در انقلاب ۱۳۵۷ بکار برده شد، ولی متأسفانه در تقریباً همه آنها (شاید تونس استثناء باشد) ساختار دیکتاتوری قدرت گذشته، حفظ گردید، ولی شکل ظاهری آن عوض شد. باز هم مانند تجربه تلخی که در ایران شاهد آن بودیم.

اسلام بیان استقلال و آزادی که توسط آقای خمینی به مردم جهان و مردم ایران تعهد داده شد (۱)، توسط اسلام فقاہتی آقای خمینی و شرکا، دزدیده شد. انقلابی که (مانند انقلاب ملی شدن صنعت نفت) میرفت به سایر کشورهای منطقه و دنیا سرایت کند، ولی بحرانها گروگانگیری، و جنگ عراق مانع آن شد (در جنگ عراق و کویت، آقای صدام طلبکارانه می‌گفت: «...من موجهای انقلاب را از کشورهای شما دور کردم... پرداخت مزد من چه شد!...» (نقل به فحوا) امروز، چهار دهه بعد از ماجرا هستیم، چهار دهه‌ای پر از رنج و مشقت، و فاجعه و بحران و... و از طرف دیگر جنگ روانی دستگاه عظیم تبلیغاتی سلطه‌گران داخلی و خارجی که انقلاب را فی‌نفسه بد و خشن در اذهان جا بیاندازند. این نباید باعث شود که ما از آن تجربیات (تجربیات خوب و بد، هر دو) درس نگیریم و آنرا به کار امروزمان نیاوریم. چرا که امروز در منطقه (قبل از بحران کرونا)، باز هم همان روشهای بهار ایران، در بهار دوباره^۲ عرب بکار برده میشوند، جنبش خودجوش، با نفی خشونت، و بلکه با خشونت‌زدایی. منقلب شدن مردم سلطه‌بر منطقه، و عصیان آنها علیه سلطه‌گران، کار ما ایرانیان را برای برپایی، و پویایی، و پیشبرد مردمسالاری، راحت‌تر کرده است. این در حالی است که قدرت سلطه‌گران برای خشونت‌گستری و بی‌ثباتی‌سازی در منطقه، پیوسته کم و کمتر شده و می‌شود.

ج- شرایط داخلی ایران و ملی:

آقای خامنه‌ای، به نگهان یادش آمد که امام حسن از امام حسین، انقلابی‌تر بوده است! و در جنگ روانی، زمینه نرمشی بسیار بزرگ، البته قهرمانانه را می‌چیند!

در اعتراضات خیابانی هفته‌های قبل از بحران کرونا، آقای خامنه‌ای در جمع بسیجیان گفت که مستضعفان واقعی آنها هستند و نه فقرا و

لایه‌های عظیم فرودست جامعه! در چنین رژیم‌ی که نه جمهوری، و نه اسلامی است، ولایت مطلقه، خود را مجبور می‌بیند که جای سلطه‌بر و سلطه‌گر را به این گل و گشادی عوض کند! سرکوبگران و رانت‌خواران را بکند مستضعف، و فرودستان و کارتن‌خوابها و کودکان کار و... بکند مستکبر!

جدیدا در برنامه‌ای تلویزیونی، معممی گفت: «توحید، توهمی بیش نیست» امثال آقای آذری قمی‌ها در چنین رژیم نه جمهوری، و نه اسلامی، مرتب باز سازی میشوند که خود را مجبور می‌بینند که اصلی‌ترین اصول دینشان را هم بگویند توهم!

انقلاب مسیحی، نوزایشی که در قرون وسطی در دین مسیحیت اتفاق افتاد، در دین اسلام (لا اقل با آن ابعاد) دیده نشده بود. کودتای خرداد ۱۳۶۰ و دزدیده شدن انقلاب، توسط اسلام حوزوی، توسط آقای خمینی و شرکا، این امکان را به هم‌سازانِ «مسلمان» کشیش‌های قرون وسطی داد که چهره واقعی خود را به مردم نشان دهند. مقایسه سرعتی که انقلاب صنعت چاپ در انسان‌مداری و انقلاب مسیحی ایجاد کرد، با سرعتی که انقلاب الکترونیک در انقلاب اسلامی کرد، مانند مقایسه سرعت حلزون و پوزپلنگ است!

ویروس کرونا تیرِ خلاص را به «قدیسیت» متولیان دین زد! بدین ترتیب که حرم و مسجد و تکیه‌ها و... که گویا شفاعت‌بخش باید می‌بودند، خود عامل بیماری و مرگ می‌شده است (درست مثل طاعون بوبانیک که در اروپای قدیم، بیشترین کشته‌ها را از مذهب‌یون و حتی خودِ متولیان دین گرفت!)

تیرِ خلاص دیگر کرونا، به قدرت داخلی بود و اقتصاد ورشکسته تحمیلی آنها به ایران و ایرانیان. این روزها در ایران، صحبت از «شورش گرسنگان» است (۲)

در اصلاح‌طلبی و اصلاح‌طلبان، ریزش‌ها فراوان بوده. امروز فقط آن عده قلیل از سرکردگان اصلاح‌طلبان که دستشان به خون و یا فسادهای فراوان آلوده است، از این گفتمان پشتی‌بانی می‌کنند. صدای مردم ایران (که گفتند: اصلاح‌طلب، اصول‌گرا... دیگه تمومه ماجرا!) این معدود را بیدار نخواهد، زیرا کسی که خوابیده را می‌شود بیدار کرد، ولی کسی خود را به خواب زده را نه!!

تیرِ دیگر کرونا، به قدرتها و اسطوره‌ها و نمادهای آنها بود.

آنچه که از آن، با تقدیس مدرنیته، به عنوان رشد از آن صحبت می‌شد، طی سال‌ها گذشته و بخصوص با بحران کرونا ثابت کرد که منظورش نه رشد انسان، بلکه رشد سرمایه بوده است، سرمایه‌سالاری، و نه مردم‌سالاری! وقتی که یک سامانه‌ای به یک جوان ورزشکار برای توپ‌بازی، میلیون‌ها دلار اجرت می‌پردازد، ولی قهرمانان واقعی، محققان و دانشمندانی که باید بودجه کافی برای پیشگیری و مدیریت بحران‌ها، از جمله بحران کرونا، و بحرن محیط زیست، و... سایر بحران‌ها در اختیار داشته باشند، توسط تمدن «مدرن» در تنگنا قرار می‌گیرند، چه انتظاری بیش از آنچه می‌بینیم می‌توان داشت؟

بحران کرونا، همان‌طور که نقاب از چهره^۱ خرافه‌های دینی (در دین اسلام و مسیحیت و کلیمی) توسط متولیان آن دین‌ها در سراسر دنیا برداشت (درست مثل آخوندهای اسلام، آخوندهای کلیمی و مسیحی هم از تخته شدن دکانشان به علت قرنطینه، شاکی بودند و قرنطینه‌ها را بی‌دینی تبلیغ می‌کردند)، از چهره^۲ متولیان «علم» بخصوص در قلمرو اجتماعی، و فرهنگی، و سیاسی، و مخصوصاً «علم» اقتصاد، نقاب برداشته شد. گرچه قبل از بحران کرونا هم نفی رشد، و نبود رشد، و حتی از ضد رشد صحبت به میان بود، امروز دیگر هشدار آن اندیشمندان که سال‌ها قبل از پاندمی کرونا، بحران اقتصادی سال ۲۰۲۰ را پیش‌بینی می‌کردند، به اندازه سابق، با تخریب و تمسخر متولیان خرافه‌های علم، روبرو نمی‌شود.

در تاریخ معاصر میهن ما، عده‌ای در ایران، نوکری قدرت‌های انیرانی را قبول کردند و بر ای پیشبرد «منافع مشترک» به چپاول نیروهای محرکه وطن ما پرداختند.

در زمان ولایت پهلوی، انیرانیان که پایه‌های آن دولت را متزلزل می‌دیدند، از ساختن «بدیل» وابسته یدکی، عاجز ماندند، و مراجعه^۳ آن‌ها به افراد مختلف، در سال‌هایی که منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد، برای حفظ رژیم شاهنشاهی، بی‌نتیجه ماند. از بعد از انقلاب هم تمام تلاش‌های پرهزینه آن‌ها برای خلق کردن یک «بدیل» وابسته، در نهایت خود به امثال آقایان رجوی و پهلوی و ناچیزتر از آن‌ها ختم شده است.

امروز در اتحادیه اروپا، از سلامت و بهداشت، به عنوان یک مقوله امنیتی یاد می‌کنند. بحران کرونا ثابت کرد که سرنوشت کشورها به هم دوخته شده است. سال‌ها سلطه‌گران در کشورهای ما هر نادرستی که دل مبارکشان می‌خواست می‌کردند. آن تجاوزها و آن خشونت‌گستری‌ها، به

نظرشان محدود به مناطق زیرسلطه آنها و در هزارها کیلومتر دورتر بود. موج مهاجران، و حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر هشدارهایی بودند که شنیده نشدند. سقوط اپارتاید در آفریقای جنوبی، با وجود نلسون مندلا به عنوان سخنگوی مبارزه خشونت‌زدا با سلطه‌گران، همراه شد و یکپارچگی کشور و ملت حفظ شد و از خشونت‌ها و انتقام‌های زنجیره‌ای، پیشگیری شد. آیا کسی پیدا خواهد شد که در قلب خاورمیانه نقش آقای مندلا را بازی کند تا گذار از اپارتاید در اسرائیل، همان سرنوشت آفریقای جنوبی را پیدا کند؟ متأسفانه اسرائیل و حامیان آن رژیم در سراسر دنیا هنوز، هشدارها را ندیده‌اند تا در دولت دینی آن کشور، تجدید نظرهای بایسته دیده شود.

تصور من این نیست که کسی در این جمع شما هموطنان گرامی، شکی داشته باشد که شرایط، بسیار بحرانی هستند، که تغییرات عمده‌ای را در دنیا، و در منطقه، و در ایران حکایت می‌کنند.

در این قرن ۲۱ که ما در آن زندگی می‌کنیم، تعداد رژیم‌های مانند رژیم حاکم بر ایران، بیش از تعداد انگشتان دست نیستند. این‌ها هم رفتنی هستند!

ممکن است در جمع شما عزیزان، برخی باشند که سقوط رژیم را قریبالوقوع نمی‌بینند.

در وطن ما، چند سناریو برای فروپاشی رژیم محتمل است. بسته به وقایع روزانه، این و یا آن سناریو ممکن است در زمان‌های مختلف، محتمل‌تر باشند.

بحث در مورد این‌که این گذار کی شروع می‌شود و به انجام می‌رسد را با داده‌هایی در کشورهای دیگر شروع می‌کنم:

مدت زمان اعتراضات تا تحولات عمده و حتی تغییر رژیم در چند کشور:

فیلیپین = ۴ روز - ۱۹۸۶ رژیم مارکوس در روز چهارم فروریخت

رومانی = ۸ روز - اعدام نیکلای چائوشسکو در ۲۵ دسامبر ۱۹۸۹

تونس = ۱۰ روز - زین‌العابدین بن علی

لبنان = ۱۳ روز - استعفای حریری نخست وزیر، و بعد هم بحران کرونا

مصر = ۱۸ روز - حسنی مبارک

گرجستان = ۲۰ روز = استعفای ادوارد شواردنازه در دوم آذرماه
۱۳۸۲ = ۲۰۰۳

بولیوی = ۳ هفته - اوو مورالس، فراری

عراق = کمتر از دو ماه - استعفای عادل عبدالمهدی در ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹
و بعد هم بحران کرونا

الجزایر = ۸ هفته = ۲ ماه - عبدالعزیز بوتفلیقه

سودان = ۱۶ هفته = ۴ ماه - عمر البشیر

همیشه از اینکه بگویم این رژیم چه زمانی فرو خواهد پاشید، حذر کرده‌ام. به نظرم طرز فکر خاصی می‌خواهد که با اطمینان بگوید: ...این رژیم شش ماه دیگر می‌رود... و آنها که چون این پندار و چون آن گفتاری را داشته‌اند، سر از عراق (و حالا آلبانی!) در آورده‌اند! و با این پیش‌بینی‌های بی‌پایه و اساس خود، جز ناامیدی و یاس و سرخوردگی برای ایرانیان نداشته‌اند.

ولی جواب این سوال که این رژیم کی می‌رود؟ را آقای زنگنه داد، وقتی از او پرسیدند قمیت بنزین را تا کجا بالا می‌بری؟ جواب داد: «...تا جایی که مردم تحمل کنند!...»

فرقی نمی‌کند که یک انسانی فکر کند این رژیم فردا سقوط خواهد کرد، و یا ۲۰ سال دیگر! اگر آن فرد بخواهد این وضعیت عوض شود، و آن انسان به خود و هموطنان به عنوان یک موجود نسبی و فعال نگاه کند، و به اندازه کافی از اعتماد به نفس فردی و اعتماد به نفس جمعی و ملی برخوردار باشد، خود می‌اندیشد که بهترین سناریو برای فروپاشی این رژیم، و گذاری هرچه خشونت‌زدا تر برای برپایی، و پویایی، و پیش‌برد مردم‌سالاری چیست، و در جهت واقعیت پیدا کردن آن سناریو تلاش و فعالیت می‌کند. آنچه در این زمینه به نظر من می‌رسد را شفاها در جلسه شما معروض شدم و در این نوشته هم به آن اشاره خواهم کرد. ولی این جا این نکته بسیار مهم را ماکدا تاکید می‌کنم که برای هدف مردم‌سالاری، باید حتما روش‌ها و وسیله‌های مردم‌سالارانه انتخاب کرد.

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، هدف وسیله را تبیین و تدوین می‌کند.

هدف در زمان آینده، و وسیله و روش در زمان گذشته و حال است. وسیله و روش، مانند یک جام بلورین پیش‌گویی، به همه می‌گوید که هدف واقعی بکار برنده^۱ آن وسیله و روش چیست!

شاید یکی از بهترین تعریف‌های یک جامعه مردم‌سالار، این باشد که جامعه برای احقاق هر حقی از حقوق هر کسی، در هر زمانی، و در هر مکانی، فعال و کوشا باشد. حقوق، ذاتی حیات انسان دانسته شود و آن را همه‌مکانی، و همه‌زمانی، و همه‌کسانی (بدون هیچ تبعیضی همه‌کسانی!) باور داشته باشد.

در این صورت برای هدف مردم‌سالاری و حقوق‌مندی، روش‌های مردم‌سالارانه و حقوق‌مندانه لازم می‌آید.

در اینجا است که وقتی از اتحاد و ائتلاف و همکاری (که بسیار هم لازم و پسندیده هستند) برای تدبیر امور برای گذار از ولایت مطلقه، و برای استقرار، و استمرار، و پیشبرد مردم‌سالاری سخن به میان است، حقوق (حقوق، و نه منافع، و بعد هم دروغِ بزرگِ منافع مشترک!) ضرورتاً کانون مشترک همکاری‌ها قرار می‌گیرند.

در این صورت، اپوزیسیون، هویت خود را در حذف آقای خامنه‌ای ناچیز نمی‌کند! اگر بگوییم که من آنم که می‌خواهم خامنه‌ا را از بین ببرم، در این صورت، این من دیگر بعد از رفتن خامنه‌ای هویت دیگری نخواهد داشت، به جز اینکه خود را روزی در مقام آقای خامنه‌ای ناچیز کند، و آن روز اگر تصویر خود را هم در آینه ببیند، آن را نخواهد شناخت!

ولی اگر هدف براندازی ولایت مطلقه باشد، و رسیدن به ولایت جمهور مردم و مردم‌سالاری باشد، میزان دوستی‌ها در همکاری‌های سازنده، افزون می‌گردد، و از دشمنی‌ها در تقابلهای کاهنده، کاسته می‌شود. بر اساس حقوق، سندی (۴) پیشنهاد شده است که لینک آن را در اینجا قرار می‌دهم:

پادزهر اضطراب گذار از استبداد، سند اساسی دوران گذار برای انتقال حاکمیت به مردم ایران

[/https://alisedarat.com/1398/05/26/5108](https://alisedarat.com/1398/05/26/5108)

و باز هم بر اساس حقوق، قانون اساسی (۴) (۵) پیشنهاد شده که لینک آن را در اینجا می‌گذارم:

کتاب قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنج گانه،

[/https://alisedarat.com/1398/04/02/4991](https://alisedarat.com/1398/04/02/4991)

از زمان نشر این متون، چند سالی می‌گذرد، و از همان ابتدای ارائه^۱ این پیشنهاد به جامعه، از اندیشمندان دعوت شد که آن را نقد و اصلاح کنند. از طرفی خوشبختانه و از طرف دیگر، شورش‌ناهنواز هنوز چنین نقد و اصلاح و... دریافت نشده است.

شکایت از نبود بدیل، دغدغه دیگری است که در بعضی از مردم مشهود است.

بدیل چیست؟

ایا هیچ حزب و گروه و تشکیلات و... را می‌توان بدیل این رژیم دانست؟

آیا هیچ فرد خاصی را با هر ادعایی که امروز داشته باشد را می‌توان بدیل این رژیم دانست؟

جواب من به هر دو سوال، منفی است!

بدیل رژیم ولایت مطلقه، قطعا ولایت از نوع دیگری نیست (آنچه که در بهار ایران و در بهار عرب اتفاق افتاد)

بدیل رژیم ولایت مطلقه، فقط می‌تواند ولایت جمهور مردم و در نتیجه سالاری مردم (=مردمسالاری) باشد. قدرت‌ها در جنگ روانی علیه مردم، در سانسور این نظر، موفق بوده‌اند. بدیل خود همه^۲ ما هستیم، به شرطی که پندار ما (و در نتیجه کردار و گفتار ما) هر چه بیشتر از قدرت و سلطه‌مداری دور، و هر چه بیشتر به حقوق‌مداری نزدیک شود. با این تاکید که هر فردی، و نیز هر جمعی و هر جامعه‌ای، همیشه می‌تواند مردمسالارتر شود.

در این صورت است که هر کدام از همه ما خود به خود در فرهنگسازی، در ساختن فرهنگ مردمسالاری، فعال می‌شویم، و در این صورت است که در تضادبازی‌های خصمانه و در تقابلهای کاهنده برای به قدرت رسیدن، نه تنها انرژی یکدیگر را خنثی و نغله نمی‌کنیم، بلکه با همکاری‌های سازنده، استعدادهای همدیگر را شکوفا می‌کنیم. در مثال اول دو نفر به اضافه دو نفر به صفر گرایش می‌کند، و در مثال دوم دو نفر با اضافه دو نفر، به هفت هشت نفر تبدیل می‌شوند.

اصلاح‌طلبان داخلی و خارجی و نیز طرفداران ولایت پهلوی و یا این و یا آن دیگر ولایت، در رسانه‌های سلطه‌گران داخلی و خارجی، سانسور نمی‌شوند (شعارهای روح فلان شخص شاد هم بیشتر در قم و مشهد و سایر شهرهای امنیتی بیشتر دیده شد). به محض اینکه کسی در استقلال و

آزادی و، و... حقوقمداری، پافشاری و ایستادگی کند، در لیست سیاه بی‌بسی و صدای امریکا و یورونیوز و... قرار می‌گیرد. رسانه‌های داخلی هم تا بتوانند حتی اسمی هم از آنها نمی‌آورند.

قدرت‌ها و سلطه‌گران، در جنگ روانی، در ذهن مردم (چه موافقان و حتی بخصوص در ذهن مخالفان خود) یک خودسانسوری علیه ایستادگان بر خط استقلال و آزادی ایجاد می‌کنند. شهید فاطمی را جاسوس انگلیس تبلیغ می‌کردند و حتی بسیاری فقط وقتی که خبر اعدام او اعلام شد فهمیدند که تا آن موقع در جنگ روانی از قدرت‌ها شکست خورده بودند!

از من در مورد آقای بنی صدر (۱۱) پرسیدید، و ناظم جلسه مفید یافتند که به طرح مطالبی در مورد ایشان پردازم.

-

سانسور علیه آقای بنی‌صدر در خرداد ۱۳۶۰ و وقتی که آقای رفسنجانی رای عدم کفایت را در مجلس خواند، رسماً شروع شد (۶). از آن موقع انواع ترور شخصیت (۷) از همه سو به ایشان روانه شده است.

آنچه که در اسناد سفارت امریکا پیدا نشد، و آنچه هیچکس در طول عمر آقای بنی‌صدر ندید، وابسته بودنش به قدرت‌ها بود. آنها که وی را «معزول» و «آواره» و مجبور به مهاجرت کردند، گفته بودند به زود به علت فقر، «بیچاره» خواهد شد، و خودش به سوی ما خواهد آمد. از آن پیش‌گویی غلط، چهار دهه می‌گذرد!

نان پاره ز من بستان، جان پاره نخواهد شد-آواره عشق ما، آواره نخواهد شد

آن را که منم خرقه، عریان نشود هرگز-وان را که منم چاره، بیچاره نخواهد شد

آن را که منم منصب، معزول کجا گردد-آن خار که شد گوهر، او خار نخواهد شد

*

در مورد عنوان روزنامه انقلاب اسلامی، گفته شد که آقای بنی‌صدر «شهامت داشته باشد، و اسم نشریه‌اش را عوض کند...» به دوست عزیزم پاسخ می‌دهم که آقای بنی‌صدر چون شهامت داشته است، زیر این همه فشار و سانسور و خودسانسوری، به آنچه که انقلاب در اسلام میداند

پایبند مانده است. تحمل این فشارها، راحت نبوده است. شما برای یک لحظه تصور کنید که آقای بنی صدر فقط دو سه خط ناسزا به اسلام می‌نوشت! با توجه به سطح پندار و کردار و گفتار و نوشتار اسلام‌ستیزان که همه شاهد آن هستیم، و میزان رانتی که از این بابت بهرمند می‌شوند، یک روز نبود که با آقای بنی صدر مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های پولی و... نباشد!!

در مورد کتاب «اقتصاد اسلامی!» اسم آن کتاب، اقتصاد توحیدی است که عده‌ای برای تخریب، آن را اقتصاد اسلامی عنوان داده‌اند. اقتصاد بر اساس توحید و یگانگی، در مقابل اقتصاد سرمایه‌سالار برپایه تضاد. به ضرس قاطع عارضم که، اگر نه همه، بسیاری از کسانی که برای تخریب بنی صدر «اقتصاد اسلامی» او را به تمسخر می‌گیرند، حتی به خود زحمت خواندن این کتاب را هم نداده‌اند، چه برسد به نقد آن! در طول این همه سال که از انتشار و بازنشر آن می‌گذرد، من شاهد چنین نقدی نبوده‌ام.

آنچه که مصدق در سیاست خارجی موازنه منفی، و مدرس به عنوان اساس دین، موازنه عدمی از آن ذکر کرد، به اقتصاد هم بسط داده شد و راهکارهایی پیشنهاد شد که بعد از حدود نیم قرن اندیشمندانی چون تام پیکتی و جوزف استیگلیتز و... و نیز الن تورن در مقوله جامعه، به آن اشاره کرده‌اند. تازه در پندار آنها هنوز ادویه قدرت را فراوان می‌توان چشید، چرا که هنوز تعریف واضحی از حقوق و از قدرت در اذهان آنها جا نیفتاده است.

پس بیایم که ناخواسته و نادانسته، اسباب دست قدرت، در جنگ روانی نشویم. رواداری و تحمل دگران‌دیشان و کثرت‌گرایی و... مردم‌سالاری را از همین الان رویه و وسیله و روش کنیم تا بتوانیم در ساختن فرهنگ مردم‌سالاری، نقش‌افزین باشیم، تا بتوانیم به هدف برپایی، و پویایی، و پیش‌برد مردم‌سالاری برسیم.

سلطه‌گران و قدرت‌مداران، به «دشمن» نیازی حیاتی دارند. با فروپاشی شوروی، این دشمن از سرمایه‌سالاران گرفته شد. ولی چه زود برای خود دشمن بهتری جایگزین کرد «اسلام!» این دشمن از دشمن قبلی بسیار بهتر است که چرا که تعریف آن، دست خودش است! اسلام محمد بن سلمان خوب است، ولی بقیه اسلام‌ها بد هستند! (البته اسلام طالبان دارد کم کم خوب می‌شود!!!)

بدون اینکه هویت خود را به عنوان یک «اپوزیسیون»، مبارزه با

امپریالیسم تعریف کنیم، باید تلاش کنیم، این «اسلام» به مثابه «دشمن» را از قدرتها بگیریم.

ولی اگر دین‌ستیزی رویه کنیم، و از آن بدتر آن را به عنوان لائیسیته جار بزنیم، اسلحه خشونت را در دست سرکوبگران داخلی و خارجی، پراثرتر و مخرب‌تر کرده‌ایم.

با هشتاد و چند میلیون ایرانی، و با یک و نیم تا دو میلیارد مسلمان می‌خواهیم چه بکنیم؟ تجربه ثابت کرده است که نمی‌توان با هیچ عقیده‌ای با زور و خشونت جنگید، عقاید غیردینی، و بخصوص عقاید دینی. چرا که در این صورت راه را برای فنا‌تیک‌ترین و واپس‌گراترین و خشن‌ترین آن‌ها باز و هموار کرده‌ایم. اگر دین را به زور فیزیکی و یا حتی به زور جنگ روانی از مردم بگیریم، خلائی که بجای آن خواهد آمد را حتما خشونت و زور و... پر خواهد کرد.

خط و ربط آقای بنی‌صدر، یکی از معدود نحله‌های فکری است که می‌تواند با بحث آزاد، به افکار عمومی ثابت کند که بالاخره در اسلام هم مانند مسیحیت، انقلابی شده است اسلامی که آنها می‌فهمند و ارائه می‌دهند، با خشونت‌زدایی، می‌تواند در قلب و فکر باورمندان باشد و در کنار مذاهب و دین‌داران دیگر و نیز در کنار آگنوستیک‌ها و حتی آتئیست‌ها، با صلح و صفا و دوستی و... زندگی کنند.

بعضی تولیدات این خط و ربط، را در مورد لائیسیته و لزوم آن می‌توانید در مرجع ذیل (۱۰) بیابید.

پس خط و ربطی که می‌تواند بین دین‌باور، در دین اسلام و همه مذاهب آن و در سایر ادیان، و نیز با دین‌نا‌باور، مانند پل‌ی برای ارتباطات خشونت‌زدا عمل کند، موجود است.

مشخصات نسلون مندلا برای ایران، از جمله سن بالا است. چرا که در آن سن سال، کسی دنبال به قدرت رسیدن نیست.

این مختصر، و دلایل بسیار دیگری بوده است که بسیاری از دوستان داخل و خارج از ایران، حتی بعضی از هموطنانی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در کودتای خرداد ۱۳۶۰ دست داشتند، در چندین سال اخیر به آقای بنی‌صدر مراجعه کرده‌اند. این مراجعات، اخیراً بیشتر هم شده است. به قول یکی از دوستان، چه از بنی‌صدر خوشمان بیاید و یا چه بدمان بیاید، او در این سن توانسته به یک فرد کاملاً استثنایی مبدل شود با جایگاهی کاملاً استثنایی در تاریخ معاصر ایران. آیا کسان

دیگر و یا حتی یک فرد دیگری را می‌توانیم نام ببریم که ویژگی‌هایی که در آقای بنی صدر جمع هستند، در او هم وجود داشته باشد؟ حتی از یک نفر می‌توانیم یاد کنیم؟

گرچه مرگ و زندگی دست انسان نیست (و نویسنده این نوشتار خود ممکن است فردا صبح از خواب بیدار نشود که در جمع شما حاضر شود!) به این دوستان عرض می‌کنم که، فرد استثنایی که مانند نلسون مندلا، کیفیت‌ها و کمیت‌های مناسبی برای سخنگویی دوران گذار در او جمع شده، تا ابد زنده نخواهد بود، و این موقعیت بی‌سابقه در مورد شرایط استقرار، و استمرار، و پیشبرد مردمسالاری در ایران که در بالا مختصری به آن اشاره کردم، و این دوران خطیر و بحرانی که با بحران کرونا، میرود تا ابعادی فاجعه‌آمیزتر بگیرد، شایسته و بلکه بایسته است به عرایض کتبی و شفایی من کمی بیاندیشیم.

صفت مرده‌پرستی، هیهات! هیهات! گفتن را برای بعضی جوامع مطرح کرده‌اند. امیدوارم ما ثابت کنیم که چنین نیستیم!

سرکار خانم هموطنی به درستی به نیاز مطرح کردن کنش‌ها و طرح‌های عملی اشاره فرمودند. در جلسه از من در مورد آقای بنی‌صدر سوال شد که انگیزه‌ای برای عرایض شفاهی در جلسه امروز و مطالبی که این نوشتار خدمتتان ارائه کردم، شد. در اینجا نظر خود را در جواب سرکار خانم هموطن گرامی برای چند کار عملی عرضه می‌کنم.

ایرانیان، بخصوص جوانان ایرانی، دغدغه بدیل و سخن‌گو و... دارند. ببینیم به طور عملی، در این دورانی بحرانی فوری و فوری، از جمله چه کارهای عملی می‌توانیم بکنیم:

۱- دوست عزیزی از آقای بنی صدر خواستند که «شهامت» تغییر و تعویض اسم نشریه انقلاب اسلامی را داشته باشند، که در بالا توضیح مختصری دادم. من از دوستانی که به طور مستقیم و به به طور غیرمستقیم، برای سخن‌گویی دوران گذار، به آقای بنی صدر مراجعه کرده‌اند، و یا پیغام فرستاده‌اند، و یا حتی در قلب و فکر خود به نقش مثبتی که ایشان می‌توانند در دوران گذار داشته باشند می‌اندیشند، تقاضا می‌کنم که شهامت این را داشته باشند و این مطلب را به صورت شفاهی در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های عمومی و در مقاله‌ها، به صورت علنی، برای افکار عمومی مطرح فرمایند.

۲- در جاسات بحث آزاد ویژگی‌های سخن‌گوی دوران گذار را به بحث آزاد بگذاریم. اینجانب داوطلبی خود را در این بحث‌ها، به عنوان کنش‌های عملی، اعلام می‌کنم.

۳- پیشنهاد به بحث گذاشتن انواع ترس‌ها و اضطراب‌های جامعه برای گذار و براندازی، و بطور مشخص، ترس از اینکه «...وقتی اینها بروند، تا وقتی نظام بعدی جایش بیاید، چه خواهد شد؟» پیشنهاد به بحث گذاشتن (۳) سند اساسی دوران گذار و ارائه آن به افکار عمومی، با این لینک:

[/https://alisedarat.com/1398/05/26/5108](https://alisedarat.com/1398/05/26/5108)

۴- پیشنهاد به بحث گذاشتن ترس و اضطراب دیگر جامعه مبنی بر اینکه «...اگر اینها بروند، چی و کی می‌آید جایش...»

پیشنهاد ارائه دادن قانون اساسی به افکار عمومی به بحث عمومی گذاشتن قانون اساسی (۴) پیشنهادی برپایه حقوق پنجگانه با این لینک:

[/https://alisedarat.com/1398/04/02/4991](https://alisedarat.com/1398/04/02/4991)

۵- پیشنهاد عملی دیگر اینکه برای بعد از گذار از ولایت مطلقه به مردمسالاری، چه برنامه عملی پیشنهاد داده می‌شود. این برنامه عملی، به مردم ارائه داده شود و در مقابل افکار عمومی، به بحث گذاشته شود:

[/https://alisedarat.com/1398/04/02/4991](https://alisedarat.com/1398/04/02/4991)

امیدوارم که نسل ما، با اعتماد به نفس فردی، و با اعتماد به نفس جمعی و ملی، خود را برازنده این افتخار و شرف بداند که در ساختن سرنوشت‌های خوب و خوب‌تر، هر یک به سهم خود و به نوبه خود، مشارکتی فعال و پرتوان داشته باشد.

علی صدارت

شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ برابر با نهم ماه می ۲۰۲۰

مطالب مرتبط:

(۱) بیانی که در واقع باعث انقلاب ۱۳۵۷ شد و طرح مخفی که اجرا شده و به ضدانقلاب انجامید

[/https://alisedarat.com/1396/11/17/3788](https://alisedarat.com/1396/11/17/3788)

*

(۲)

رسانه‌های شخصی، جنگ روانی، شورش و جنگ و تخریب در پساکرونا، یا جنبش و صلح و سازندگی؟

[/https://alisedarat.com/1399/02/20/6079](https://alisedarat.com/1399/02/20/6079)

*

(۳)

پادزهر اضطراب گذار از استبداد، سند اساسی دوران گذار برای انتقال حاکمیت به مردم ایران

[/https://alisedarat.com/1398/05/26/5108](https://alisedarat.com/1398/05/26/5108)

*

(۴)

کتاب قانون اساسی پیشنهادی بر اساس حقوق پنج گانه،

[/https://alisedarat.com/1398/04/02/4991](https://alisedarat.com/1398/04/02/4991)

*

(۵)

کتاب صوتی قانون اساسی بر اساس حقوق پنج گانه، گوینده آقای جهانگیر گلزار

[/https://alisedarat.com/1398/07/20/5203](https://alisedarat.com/1398/07/20/5203)

✱

(۶)

لحظه‌ای که سانسور بنی‌صدر شروع شد ممنوع‌النام، و ممنوع‌التصویر، و ممنوع‌الصداء، و ممنوع‌القلم

<https://www.youtube.com/watch?v=H8qST3m226Q>

✱

(۷)

<https://alisedarat.com/?s=اشعه+مو>

و نیز:

[/https://alisedarat.com/1396/11/24/3806](https://alisedarat.com/1396/11/24/3806)

✱

(۸)

بعضی از اسناد و مطالب در مورد مسائل کوردستان

[/https://alisedarat.com/1391/01/26/57](https://alisedarat.com/1391/01/26/57)

✱

(۹)

برخی اسناد جنگ عراق

[/https://alisedarat.com/category/jang-iran-iraq](https://alisedarat.com/category/jang-iran-iraq)

✱

(۱۰)

کتاب ارکان دمکراسی نوشته ابوالحسن بنی‌صدر منتشر شد

https://banisadr.org/index.php?option=com_content&view=article

<https://alisedarat.com/?s&id=366:2014-09-02-18-57-17&catid=9&Itemid=141>

و نیز

[https://alisedarat.com/?s](https://alisedarat.com/?s&id=366:2014-09-02-18-57-17&catid=9&Itemid=141)

*

(۱۱)

https://banisadr.org/index.php?option=com_publisher&view=issues&Itemid=129

آگهی دهمین گردهمایی سراسری
جنبش جمهوری خواهان دموکرات و
لائیک ایران



9 و 10 مه 2020 - 20 و 21 اردیبهشت 1399

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، بنا بر سنت دموکراتیکِ همیشگیِ خود، امسال نیز در روزهای شنبه نهم و یکشنبه دهم مه 2020، برابر با بیستم و بیست و یکم اردیبهشت 1399، دهمین گردهمانی سراسری سالانه‌ی خود را برگزار خواهد کرد.

در این نشست، با توجه به رویدادهای درون ما در فاصله‌ی بین دو گردهمانی سراسری نهم و دهم از یکسو و رشد بی‌سابقه‌ی بحران عمومیِ کلیتِ رژیمِ جمهوری

اسلامی ایران از سوی دیگر، ضرورت همراهی و هم‌فکری فعال در شناخت و تدقیق راه‌کارهای مناسب برای پشتیبانی فعال از خواست‌های آزادی‌خواهانه و دموکراتیک مردم و جنبش‌های اجتماعی و اعتراضی در ایران، اهمیت و فوریتی دو چندان پیدا می‌کند.

در این گردهمایی نیز، مانند نشست‌های گذشته، اصولی چون آزادی، استقلال، جمهوری، دموکراسی، لایسیته، برابری حقوق شهروندی، عدم تمرکز، مخالفت با مداخله قدرت‌های خارجی در تعیین سرنوشت کشور و پایبندی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، چراغ راهنمای ما را تشکیل خواهند داد.

امسال، با توجه به وضعیت فوق‌العاده ناشی از اپیدمی کوید-19، گردهمایی سراسری ما به صورت مجازی برگزار خواهد شد.

28 آوریل 2020 - 9 اردیبهشت 1399

